



سیاست

نگاهی بر قضیه دالان (کریدور) واخان بدخشان افغانستان پسمنظر قضیه:

همه میدانیم که دالان واخان از قرن نهم میلادی و در بازی بزرگ به عنوان منطقه حایل میان دو امپراطوری روسیه تزاری و بریتانیا ایجاد شد تا دو امپراطوری هم سرحد نباشند. بعد طی سالهای سلطنت محمد ظاهر شاه که نهضت‌های مترقی ظهور نمودند، هم چین و هم پاکستان به این دالان و مناطق شرقی افغانستان بی علاقه نبوده و نیستند. چنانچه چین در فیض آباد مرکز ولایت بدخشان با تقویه گروپ‌هایی با تمایلات مائوئیستی، سکتاریستی و ناسیونالیستی میخواست اظهار موجودیت نماید. با حضور قوای شوروی در افغانستان دالان واخان به منطقه استراتژیک برای چین، روسیه و پاکستان مبدل شد. پیامد آن از اهمیت جیوپولیتیک افغانستان به عنوان پل اتصال جنوب آسیا می‌کاهد. این چرخش باعث شد که پاکستان کل افغانستان از جمله واخان را عمق استراتژیک خود محسوب کند. براساس نظریه جنرال اسمت، نظامیان پاکستان از زمان پیدایش این کشور تا به امروز در پی ایجاد عمق استراتژیک در خاک افغانستان هستند (عمق استراتژیک یک واژه در ادبیات نظامی است که به فاصله بین خط مقدم یا بخش‌های نبرد و مواضع اصلی یک کشور که شامل پایتخت، بخش‌های صنعتی، مراکز اصلی تراکم نفوس و تولید نظامی است، گفته می‌شود، تا در صورت حمله احتمالی دشمن محل و برای عقب نشینی داشته باشد)، از آنجایی که وضع جغرافیایی تعیین‌کننده سیاست کشورها است، پاکستان برای به دست آوردن هدف خویش دست به حمایت، تمویل و تجهیز نیروهای اسلام‌گرا، مجاهدین، سکتاریستها و گروه طالبان زده است. این طرز دید و عملکرد بر خلاف موازین بین‌المللی پاکستان را به آرزوهای دیرینه‌شان نزدیک ساخته است.

آغاز دور جدید نیت شوم پاکستان:

در سالهای 1983 و 1984 پاکستان دارای سلاح‌های پیشرفته مانند راکت‌های کروز و پرشنگ گردید، این سلاح‌ها را گاهی در ارتفاعات کلگیت نزدیک سرحد چین و گاهی در مناطق نزدیک واخان جابجا میکرد تا از گزند چین، هند و روسیه در امان باشد.

منابع آگاه میگویند:

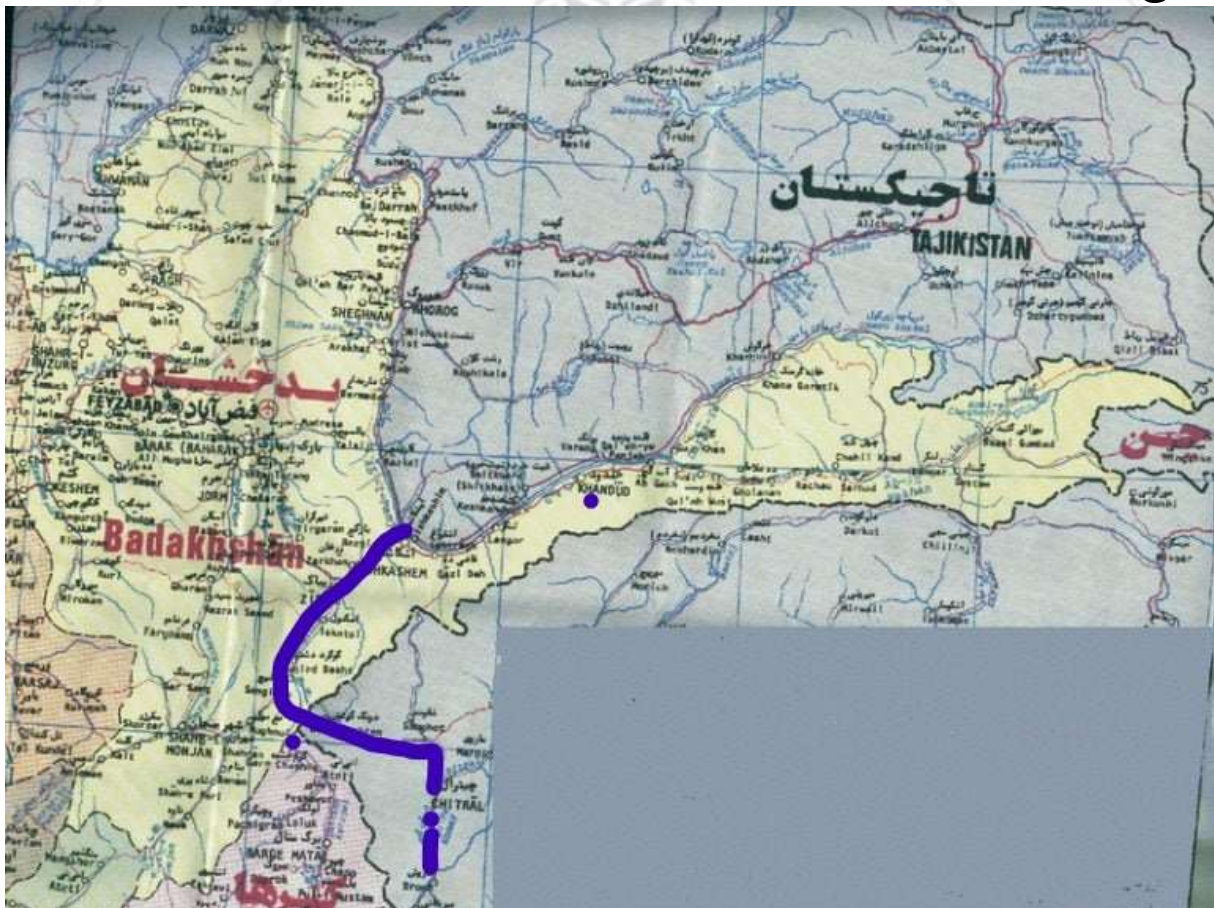
اداره ISI پاکستان در تیبانی با M16 انگلیس و مهارت و تلاش‌های CIA امریکا حدود 36 سال پیش در تلاش بود تا به خاطر کنترل چین و روسیه بام دنیا (کریدور واخان) را بدست داشته باشند. در آنزمان میخواستند جمعیت اسلامی ربانی و دیگر گروه‌های سکتاریستی را در بدخشان و مناطق همجوار آن مسلح نمایند تا منطقه را با اعلام خودمختاری از پیکر افغانستان جدا کنند.

رویداد های بعد از سال 1992 و روی کار آمدن مجاهدین:

در دوران حاکمیت جهادی ها این پروژه تقویت یافت، گروپ های مسلح جمعیت با قطعات نظامی پاکستان در منطقه جابجا شدند.

زمانی که طالبان در سال 1996 بار اول در کابل مسلط شدند با نشان دادن چراغ سبز به پاکستان قطعات پاکستانی به اشغال ادامه داده و به نیروی شان در دالان و اخان افزودند. با آمدن نیروهای بین المللی و ناتو در افغانستان قوای مجهز ناتو در واکان شاید جایی که قطعات شوروی وقت وضع الجیش داشت جابجا و چین و ماسکو را تحت تهدید نگهداشتند.

گفته شده که پاکستان تلاش داشت با پرداخت پول هنگفت از حامد کرزی این منطقه را خریداری کند، اما کرزی با پاکستان بازی موش و پشک را پیش گرفت و طبق اظهارات کریم خرم رئیس دفتر کرزی آنرا نپذیرفتند، دوکتور غنی نیز جواب قاطع نداد و پاکستان را طماع نگهداشت.



دوهدفی که پاکستان در سر داشت و دارد:

پاکستان از بدو تاسیس تا امروز افغانستان به دیدگاه عمق استراتژیک دیده نه یک همسایه متساوی الحقوق که روابط حسنه و همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد. روی این برهان پاکستان در دالان واکان دوهدف دارد:

1- تصرف کامل این دالان برای تسلط و هژمونی در این نقطه استراتژیک چنانچه خط

ابریشم جدید نیز از جوار این دالان میگذرد.

2- ایجاد راه ترانزیتی از بندرگوادر وچترال به سوی آسیای میانه و سایر نقاط جهان. قراین و اراده محکم مردم افغانستان مصداق آنست که پاکستان در بر آورده شدن نیت شوم اولی خود ناکام بوده و ناکام باقی خواهد ماند.

اگر وریانت دوم روی منافع ملی مردم افغانستان استوار باشد و افغانستان بتواند ازبندار آبی پاکستان مانند گوادر و غیره استفاده کند و از سایر امتیازات طبق قوانین حمل و نقل (ترانزیت بین المللی) و کنوانسیون های مربوط محروم نشود، اقدام بدی نخواهد بود.

اما نگرانی ها هنوز ادامه دارد:

نگرانی هایی وجود دارد که دولت پاکستان قصد دارد از دهلیز استراتژیک و اخان بدخشان برای دسترسی به آسیای میانه استفاده کند. نظر به نوشته تازه روزنامه 8 صبح: " باشندگان و اخان و کاربران شبکه های اجتماعی می گویند که پاکستان در تبانی با طالبان محلی، بخش هایی از ولسوالی و اخان بدخشان را تصرف کرده و قصد دارد از این طریق با کشورهای چین و تاجیکستان ارتباط ترانسپورتی برقرار کند. اما طالبان می گویند که هیچ توافقی با دولت پاکستان درباره استفاده از خاک افغانستان صورت نگرفته است." به گفته این روزنامه و به استناد منابع داخلی و محلی آمده است که: " نیروهای محلی طالبان از تصرف بخش هایی از ولسوالی و اخان بدخشان توسط پاکستان آگاهی کامل دارند، اما برای جلوگیری از آن هیچ گام عملی برنداشته اند. منابع توضیح می دهند که باشندگان ولسوالی و اخان پس از جدال های لفظی با پاکستانی ها، تصمیم گرفتند مشکلات پیش آمده را با مقام های محلی طالبان در این ولایت در میان بگذارند. به گفته آنان، بزرگان قومی، قوماندان جهادی و شماری از فعالان سیاسی بدخشان در یک نشست مشترک نزاع های موجود میان باشندگان و اخان و نیروهای پاکستانی را با والی، قوماندان امنیه، رییس استخبارات و مسوولان مرزی طالبان در میان گذاشته اند." اما: اکنون که واکنش های شهروندان نسبت به واگذاری بخش هایی از و اخان به پاکستان بیشتر شده، طالبان محلی قصداً به مردم نشان دادند که قضیه و اخان برای آنان مهم است.

مگر وضعیت چه گونه است و پاکستان به دنبال چیست؟

برمبنای نوشته داکتر عارف هژیر و چشم دید های چهل و پنج سال پیش اینجانب هنگام امور مقدماتی سرشماری نفوس افغانستان باید نگاشت: پاکستان بدنبال دالان و اخان نیست چون دست رسی به آن از جانب خاک پاکستان بنابر موقعیت جغرافیایی ممکن نیست، تنها راهی که میتواند پاکستان را به تاجیکستان وصل کند راه زیباک و اشکاشم تا و اخان پایین است، زیرا دیگر راهی وجود ندارد. (روی نقشه طور تخمین نشان داده شده است، چون نقشه میعاری و وسایل مربوط به دسترس نیست، از کارتوگرافران خواهشمندم اگر ممکن باشد مسیر را به ملاحظه متن روی نقشه ترسیم و اصلاح کنند)

پاکستان در ایالت پښتونخواه شهری دارد بنام “ چترال ” و به سمت جنوب غرب آن دهکده پی بنام “ گرم چشمه ” است که هم سرحد با ولایت نورستان می باشد و همین گرم چشمه سرحد پاکستان و بدخشان را نیز جدا می کند ، در این موقعیت کوتل “ شاه سلیم ” و قریه کوچک شاه سلیم مربوط بدخشان وجود دارد ، تانه های سرحدی پاکستان در همین ساحه دیده میشود ، کوتل شاه سلیم با ارتفاع بسیار بلند بین توپ خانه بدخشان و گرم چشمه وجود دارد که یگانه راه عبوری از پاکستان به طرف بدخشان می باشد ، از توپ خانه باید به قریه سنگلیچ زیباک بیایید و بعد به ولسوالی اشکاشم که سرحد تاجیکستان و بدخشان می باشد، همچنان بعد از طی چنین مسیر میتوان بطرف خندود مرکز ولسوالی واخان رفت ، پاکستان این مسیر را کار دارد نه واخان پر از برف سرد و صعب العبور را ، راه رفت آمد تا اشکاشم و دیگر نقاط بدخشان از کوتل شاه سلیم می گذرد وقتی در این مسیر از جانب چترال حرکت می کنید واخان در بلندای کوه سمت راست شما قرار می گیرد که از طرف پاکستان هیچ راهی ندارد بجز اینکه این مسیر را در اختیار داشته باشد ، آنچه پاکستان می خواهد کوتل شاه سلیم ، توپخانه ، زیباک و رسیدن به اشکاشم است.

قدر مسلم آنست که بدون حضور و شرکت مردم افغانستان هیچ تصمیم در رابطه به قضایای ملی مورد قبول عامه ملت افغان و جهان نخواهد بود. اگر پاکستان ویا چین بنابر همبسته گی های سیاسی برخلاف موازین بین المللی که سرحدات کشور قبلاً ثبت وازجانب سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده ، کدام نشانه گذاری و یا پلیر سرحدی را خود سرانه نصب نمایند ، همه به شکل موقت خواهد بود، هرپاه دولت قانونی درکشور به وجود آید موضوع را ازنگاه حقوقی حل و فصل خواهد نمود.

حراست از وجب وجب خاک وطن رسالت مبرم ماست!